‹‹فَلاَ تَتَّبِعُوا ٱلْهَوَي اَنْ تَعْدِلُوا ››

شماره دادنامه : 1402683900150714900
تاریخ تنظیم : 1402/10/04
شماره پرونده : 140168920000645589
شماره بایگاني شعبه : 0200115

شعبه 68 دادگاه تجدیدنظر استان تهران (مستقر در مجتمع قضايي ويژه جرايم اقتصادي)

دادنامه

دادگستري كل استان تهران

پرونده کلاسه 140168920000645589 شعبه 68 دادگاه تجدیدنظر استان تهران (مستقر در مجتمع قضايي ويژه جرايم اقتصادي) تصمیم نهایی شماره 1402683900150714900

تجدیدنظرخواه:

سهامي بيمه ايران با وكالت آقای سیدکمال هاشمي فرزند سیدحمید به نشاني استان تهران - شهرستان تهران -شهر تهران - چهار راه نظام اباد خ طاووسي ك شهيد قنبري پ 40

تجدیدنظرخوانده:

آقای غلامرضا رادبخت فرزند ماشااله با وکالت آقای محمد حسن روغني فرزند مهرداد به نشاني استان تهران - شهرستان تهران - تهران - خ دانشگاه خ انقلاب پلاك 1182

تجدیدنظرخواسته:دادنامه ی شماره ی 1402683900000797231 مورخ 1402/01/28 شعبه ی 1063 دادگاه کیفری دوتهران

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

بتاریخ فوق ،و در وقت فوق العاده ، جلسه شعبه‌ی 68 دادگاه تجدیدنظر استان تهران به تصدی امضاکنندگان زیر تشکیل و پرونده‌ی کلاسه فوق تحت نظر قرار دارد. دادگاه پس از مشاوره و ملاحظه و بررسی جمیع اوراق و محتویات پرونده ، ختم رسیدگی را اعلام و با استعانت از خداوند متعال و اتکاء بر شرف و وجدان قضایی، به شرح ذیل مبادرت به انشاء رأی می‌نماید.

((رأی دادگاه))

شاکی ، شرکت سهامي بيمه ايران با وكالت آقای سیدکمال هاشمي فرزند سیدحمید نسبت به دادنامه‌ی شماره‌ی 1402683900000797231مورخ 1402/01/28 صادر شده از شعبه‌ی 1063 دادگاه کیفری دو تهران مستقر در مجتمع قضايي ويژه رسیدگی به جرائم اقتصادي و به طرفیت متهم آقای غلامرضا رادبخت فرزند ماشااله با وکالت آقای محمد حسن روغني فرزند مهرداد تجدید نظر خواهی نموده است .به‌موجب دادنامه اشاره شده تجدیدنظرخوانده آقای غلامرضا رادبخت فرزند ماشااله از بابت اتهام شروع به کلاهبرداری تبرئه شده است.

حسب ادعای شرکت سهامي بيمه ايران ، متهم آقای غلامرضا رادبخت ، پس از بیمه آتش سوزی انبار لوازم التحریر خود ، با ایجاد حریق عمدی و اعلام خسارت وارده بصورت گزاف و غیر واقعی به

شرکت بیمه (بالغ بر نوزده میلیارد تومان) و طرح دعوی حقوقی در شعبه 39 دادگاه عمومی حقوقی تهران درصدد دریافت نابحق خسارت ؛آن هم بصورت گزاف و چند برابری؛ از شرکت بیمه ایران می شود و به این ترتیب مرتکب شروع به کلاهبرداری گردیده است. در دادسرا ، بازپرس محترم پس از ارجاع موضوع به کارشناس آتش سوزی و با توجه به تشخیص عمدی بودن تحریق و برآورد خسارت وارده توسط این کارشناس (24.791.040.000 ریال) و توجه به تفاوت فاحش مبلغ خسارات اعلامی و ادعا شده از سوی متهم با مفاد نظریه کارشناس منتخب ، با احراز بزهکاری متهم ؛مبادرت به صدور قرار جلب به دادرسی نموده و متعاقبا کیفرخواست نیز تنظیم میشود.

دادگاه محترم بدوی ، پس از رسیدگی ، تحقق شروع به کلاهبرداری را محل تامل و تردید می داند و اینطور استدلال مینماید که مبنای کیفرخواست و شکایت شاکی ؛ دو موضوع بوده است ، یکی عمدی بودن حریق و دیگری مطالبه خسارت بصورت گزاف آنهم بر پایه ی مستندات غیر واقعی ، هر چند که متهم نسبت به نظریه کارشناسی تسلیم و عمدی بودن تحریق را پذیرفته است لیکن همواره منکر انتساب تحریق به خودش بوده است و پرونده نیز خالی از هر گونه دلیلی بر نقض این انکار می باشد و از طرفی تمسک شاکی به شواهد و قرائنی مانند ذینفع بودن متهم ، عدم نصب دوربین مدار بسته ، عدم وجود نگهبان و نظایر آن، کفایت لازم در احراز مباشرت یا تسبیب متهم در تحریق عمدی انبار ندارد ؛ همچنین مفاد قرار داد منعقد شده بین طرفین هم (بند 4 ماده 22)صرفاً در صورت انتساب خسارت به بیمه گذار و یا عوامل تحت امر او ، بیمه گر را مبری از مسئولیت دانسته است که در نتیجه شاکی با فرض تحریق عمدی توسط افراد ناشناس ، مسئول پرداخت خسارت خواهد بود. بنا براین مطالبه خسارت از سوی آقای راد بخت ، مطالبه ناحقی نبوده و مبتنی بر تعهدات و مسئولیت قرار دادی شاکی می باشد.در رابطه با مطالبه خسارت گزاف بر پایه اسناد و مدارک غیر واقعی هم ملاحظه می گردد که متهم یک بار با تنظیم اظهار نامه و مستقیماً از شاکی و یک بار هم با طرح و ثبت دادخواست در محاکم حقوقی مبادرت به مطالبه خسارت نموده است . در متن دادخواست مطرح شده ، متهم نه تنها به هیچ مبلغ و میزانی به عنوان خسارات وارده ؛ اشاره ای نکرده است بلکه از دادگاه برای برآورد خسارات وارده ،درخواست کارشناسی نیز نموده است لذا نمیتوان بر این اساس (که چون متهم دادخواست حقوقی مطالبه ضرر وزیان تقدیم نموده است) او را متهم به مطالبه مبلغ نامتعارف و ناحق دانست و در رابطه با ادعای شاکی مبنی بر استناد متهم به اسناد و مدارک غیر واقع و ناصحیح هم ، صرفنظر از آنکه ، پرونده حقوقی هنوز منتهی به صدور رای ماهوی نشده و حتی ارجاع به کارشناس نیز نگردیده است ، استناد مدعی به برخی مدارک تلازم و اناطه ای با پذیرش آن اسناد و مدارک از

سوی دادگاه ندارد ... و اختلاف طرفین در میزان خسارات وارد شده و به اصطلاح دست بالا گرفتن مدعی در اعلام میزان خسارات ، امری متعارف و معمول می باشد و در نهایت دادگاه محترم با تاکید بر این که راجع به میزان خسارات وارد شده در نتیجه تحریق ، هیچ نظری ندارد و با سپردن تصمیم گیری در این باره به محاکم محترم حقوقی،حکم بر برائت آقای غلامرضا راد بخت صادر و اعلام نموده است .

وکیل شرکت بیمه ایران در لایحه تجدیدنظرخواهی خود ، ضمن تکرار اظهارات گذشته ؛ به نکاتی اشاره مینماید که اهم آن ها از این قرار است :**1-** متهم با استناد به پوشش بیمه نامه حریق انبارش؛ قصد دريافت خسارت ناحق داشته و در جهت اثبات موجودي انبار، به مدارك (فاكتورهاي) ساختگي استناد نموده است .**2-** بنا به نظريه كارشناسان بيمه مركزي تعرفه شده از شركت بيمه ايران ،حريق ،عمدي بوده است.**3-** متهم به رغم ريالی اعلام نمودن ارزش موجودي انبار خود (حدود 190 ميلياردريال) ، خريد خود را به نحو دلاري- نقدي ادعا نموده است. از طرفي هيچ گونه دليلي بابت انتقال اين مبلغ به فروشنده ادعايي؛ حتي يك دلار هم نتوانسته ارائه دهد و حساب ارزي هم نداشته است.**4-** متهم اذعان به عدم داشتن دفاتر تجاري دارد.**5-** متهم در جهت اثبات ادعاي خود حتي نمي تواند اظهارنامه وسابقه مالياتي خود را ارائه دهد.**6-** درخصوص تاريخ توليد كالاهاي سوخته ،متهم مدعيست در اين خصوص حضور ذهن ندارد.**7-**متهم به رغم ادعاي وجود اين حجم كالا با اين مبلغ كلان در انبار ؛ به عدم وجود دوربين مداربسته بر خلاف منطق محافظت از اموال اذعان مي نمايد.**8-** ازفروشنده ی ادعايي كالا به بيمه گزار در مرجع انتظامي تحقيق به عمل آمده كه بيان مي دارد : نوع واحد پول دريافتي از متهم دلار و يورو بوده است بر خلاف اظهارات بيمه گزار كه صرفاً دلار را بيان نموده است.و فروشنده ، هيچ گونه دليلي بابت دريافت اين مبالغ ارزي از بيمه گزار و نحوه هزينه كرد آن به طور رسمي حتي به ميزان يك دلار را هم نمي تواند ارائه دهد ضمناً هيچ گونه سابقه مالياتي نداشته و از ارائه هرگونه فاكتور و اسنادي مالي كه حاكي از صحت اظهاراتش باشد عاجز است.**9-** كارشناس دادگستري علت حريق را عمدی و ناشي ازريختن مايعات قابل اشتعال بر روي اجناس ،توسط فرد يا افراد ناشناس تشخيص داده است.**10-** متهم در پاسخ به درخواست كارشناس و بر خلاف ادعايش در مرجع انتظامی مبنی بر نداشتن دفاتر تجاري، اظهار مي دارد كه دفاتر مالي وي در آتش سوخته است. **11-** متهم اعلام مي دارد مالياتي پرداخت ننموده و اطلاعي از تكليف تشكيل پرونده وپرداخت ماليات نداشته است و در مورد دفاتر تجاري ادعا مي نمايد داشته ولي در آتش سوزي دچار حريق گرديده است اين در حالي است كه به پليس گفته است اين دفاتر را نداشته است و ماليات

پرداخت نكرده اند. **12-** متهم مستندي مبني بر خريد دلار و انتقال آن به فروشنده ی کالاهای ادعا شده ندارد. **13-** راجع به بند چهارم از ماده 22 بيمه نامه ، در اكثر قريب به اتفاق پرونده هاي مشابه در اداره ی بيمه اي ، هيچ يك از بيمه گزاران به موضوع انتساب حريق به خود اقرار ننموده اند و عدم انجام آن يك امر طبيعي است و اين مراجع قضائي مي باشند كه با در كنار هم قرار دادن ادله شاكي و مدارك تحصيل شده و اظهارات مندرج در پرونده ، اقدام به صدور حكم مجرميت مي نمايند.**14-** چه طور كسي كه مدعي وجود حدود 200 ميليارد ريال در انبار خود است ، ولی يك نگهبان يا دوربين مداربسته براي حفاظت از اموال خود به كار نبرده است .**15-** متهم به شركت بيمه ، ليست موجودي انبارش و فاكتورهاي خريدش را تا ميزان ادعايي ارائه داده است حتي به ميزان خسارت وارده اشاره مي نمايند و اينكه به مبلغي در دادخواست حقوقی اشاره نمي گردد امري معمول و صرفاً به جهت فرار از پرداخت هزينه دادرسي و تمبر مالياتي است.**16-** ارائه نمونه هایی از اقلام مورد حريق در بازار صنف لوازم تحرير توسط كارشناس از عدم قابليت استفاده بودن آن ها وبرند و معمول نبودن و تاريخ گذشته بودن و استوك و از انتفاع افتادن آن ها در صنف بازار حكايت دارد.**17-** در خصوص موضوع اظهارنامه مالياتي يا پرداخت ماليات بيمه گزار و فروشنده ادعايي ، به پليس مي گويند ارسال ننموده اند ليكن متهم به بازپرس پرونده بيان مي دارد اطلاع نداشته است. اين درحالي است كه وكيل ايشان وي را يك فعال اقتصادي معرفي مي نمايد.

این دادگاه با عنایت به مجموع محتویات و اوراق پرونده و استدلال های مندرج در رأی تجدیدنظرخواسته به شرح فوق ، اعتراض ایشان را وارد ندانسته و سزاوار پذیرش نمی داند و در این راستا ، ضمن تایید و تاکید بر استدلال های دادگاه محترم بدوی مندرج در دادنامه معترض عنه که شرح آن گذشت؛ مضافا باید به نکاتی اشاره نماید :

اول اینکه – نظریه های کارشناسان در موضوعات مرجوع الیهم ؛ یک استنباط انسانی (البته فردی که واجد صلاحیت فنی نیز باشد) از یک واقعه محسوب میشوند و از زاویه حقوقی ، صرفا یک اماره هستند و نباید نظرات آن ها ، به عنوان دلیلی متقن و انکار ناپذیر تلقی شوند طوری که اگر کسی خلاف آن نظریه ؛ اظهاراتی بیان نمود ؛کذاب و متقلب خطاب گردد!اشتباه بودن نظرات کارشناسان امری ممکن و اختلاف عقیده بین ایشان نیز امری متداول و عادی است و برای همین است که در برخی از اوقات ؛ کارشناسان نظراتی کاملا متضاد یکدیگر دارند. در همین پرونده ؛ نظر کارشناس آتش نشانی و کارشناس دادگستری در رابطه با عمدی بودن حریق واقع شده ،کاملا متفاوت است و این به معنای سوء نیت اولی یا صحیح بودن و غیر قابل انکار بودن نظر دومی نیست ،ضمن آنکه کارشناس منتخب پرونده

نیز کاملا بر این موضوع تاکید دارند که آنچه بیان نموده است فقط استنباط{غیر قطعی} ایشان از واقعه بوده است. این نکته در قسمت ارزیابی و تعیین خسارات وارده توسط کارشناس ، بیشتر مشهود است ،صرف نظر از اینکه ایشان برای ارزیابی کالاهای سوخته شده، واجد صلاحیت فنی بوده است یا خیر ؟ باید توجه داشت که کارشناس، در روند کارشناسی و در تعیین کم و کیف کالاهای سوخته شده ، با نواقص شدید در داده ها ناشی از فقدان سیستم و دفاتر و ناشناس بودن برخی اقلام و کلا مشکلات و موانع متعدد و لاینحلی مواجه بوده است ؛ که این موارد و مجهولات به شدت باعث کاهش اعتبار نظریه ایشان میگردد در اینجا فقط یک مورد به عنوان نمونه بیان میشود : کارشناس محترم در بند 11 نظریه ی خود در صفحه 283 پرونده عینا به همین موضوع میپردازد و صراحتا بیان میکند :" ...قاعده و مبنایی را نمیتوان جهت قیمت گذاری اقلام ادعا شده حسب عرف بازار و یا منبع و مرجع تخصصی این ارزیابی ملاک عمل قرار داد ...و اقدامی که ملاک محاسبه باشد را نمیتوان استخراج نمود {لاجرم }... قیمت واحد 15.000 ریال برای کلیه اقلام برآورد و ملاک محاسبه قرارداده شده است... "(یعنی هر کالای سوخته شده ، هر چه که باشد، فقط هزار و پانصد تومان مبنای محاسبه اش قرار گرفته است !با این حال ارزش کالاهای سوخته شده 24.791.040.000 ریال برآورد شده است ! که قابل توجه است) همانطور که در نظریه کارشناس به وضوح دیده میشود ایشان در نظریه خود به اینکه برآورد هایش کاملا تخمینی و کلی و محتاطانه است تاکید دارد بنابراین ؛ هم عمدی بودن حریق صرفا منبعث از استنباط شخصی فرد کارشناس است و هم برآورد خسارات ، کاملا تخمینی و حدودی و با رعایت جانب احتیاط بوده است .لذا با توضیحاتی که بیان شد ، نمیتوان این دو را به عنوان دلایلی یقین آور و خدشه ناپذیر تلقی نمود.

دوم اینکه ، هر چند این مطلب قبلا بیان شده است ولی به لحاظ اهمیت آن ،ذکر مجددش واجد ایراد به نظر نمیرسد ؛ و آن این است که ایجاد حریق عمدی توسط شخص ناشناس رافع مسئولیت شرکت بیمه گر نخواهد بود بنابراین اصرار شرکت شاکی بر عمدی بودن حریق تا زمانی که ثابت نشده بیمه گذار عامل آن بوده ، اثری در تعهداتش ندارد. فی الحال نیز کوچکترین دلیلی بر این مدعی ، ارائه و مشاهده نمیشود.

سوم اینکه، قاعدتا، میتوان ادعای هر مدعی را به لحاظ نداشتن ادله اثباتی نپذیرفت ولی نمیتوان به او که برای اثبات ادعایش مدارکی ندارد تهمت دروغگویی زد مگر اینکه با ادله ای کافی سوء نیت و قصدش برای فریبکاری محرز گردد که در پرونده چنین چیزی مشاهده نمیشود.

چهارم اینکه، با توجه به مفروضات فوق ، آیا منطقی است فردی این ریسک را بپذیرد و برای دریافت خسارت احتمالی و با اما و اگرهای فراوان ، اقدام به آتش کشیدن سرمایه یقینی خود با ارزش تقریبی و حداقلی 24.791.040.000 ریال نماید در حالی که اصلا تضمینی بر پذیرش ادعایش و رسیدن به هدفش نباشد؟

پنجم اینکه ،هر چند ، نداشتن نگهبان و دوربین مداربسته و مدارک و دفاتر مربوط به ورود ، خروج و موجودی انبار و مستندات خرید کالاهای ادعا شده و نظایر آن ، کاملا نامتعارف و شبهه برانگیز است ولی باید توجه داشت که صرف نداشتن این موارد ، نمیتواند به عنوان وسائل متقلبانه و حیله و فریب تلقی گردد.

بنا برمراتب مذکور و نظر به این‌که رأی تجدیدنظرخواسته بر اساس محتویات پرونده و دلایل و مدارك ابرازشده صحیحاً و موافق قوانین صادر شده، و از لحاظ رعایت اصول و قواعد رسیدگی خدشه‌ای بر آن وارد نیست و تجدیدنظرخواه نیز در این مرحله ، ایراد مؤثری که گسیختن رأی مزبور را ایجاب نماید، مطرح نکرده است و درخواست ایشان بر هیچ یک از جهات مندرج در ماده‌ی 434 قانون آئین دادرسی کیفری انطباق ندارد؛ دادگاه بااستناد به مواد 426، 427، 435و بند «الف» ماده‌ی 455 قانون یادشده ؛ و همانند دادگاه محترم بدوی با تاکید بر این که راجع به اصل و میزان خسارات وارد شده در نتیجه تحریق ، هیچ نظری ندارد و با سپردن تصمیم گیری در این باره به محاکم محترم حقوقی و ضمن ردّ درخواست تجدیدنظر، رأی تجدیدنظرخواسته را تأیید و استوار می‌کند. این رأی قطعی است.

رئیس و مستشار شعبه‌ی 68 دادگاه تجدیدنظر استان تهران

محمّدهادی فضلعلی جواد احمدی

امضاي صادر كننده